

مجله جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

صاحب امتیاز و
مدیر مسئول
دکتر رحیم
(محمودی)
آدرس حصه اول
جاده میوند متوسل
مهمان و رکشاب

ما کاملاً آمی توانیم از تمام موانع
ودشواری ها بگذریم نیروی ما
شکست ناپذیر خواهد بود بشرط
آنکه شایسته باشیم ایدئولوژی
مترقی و پیش رو را فراگیریم ،
بشرط آنکه به توده ها ایمان داشته
باشیم ، با توده ها یکی شویم و آن
هارا به پیش هدایت نماییم

شماره (اول) چهارشنبه ۱۴ حمل ۱۳۴۷ هـ - ۳ اپریل ۱۹۶۸ ع

د جرییدی نشراتی مرام

شانزده سال پیش جرییده ملی ندأ خلق بدستور
طبقه حاکمه مرتجع توقیف شد بدنبال آن اختناق
سیاسی دامنه داری بر تمام جوانب زندگی ملت
افغانستان استیلا یافت ، تا آنکه طبقه
حاکم بر ضروریات عصر حاضر جهت دفاع از منافع
خویش ناگزیر از آن شد جا مئه ریا بپر نموده ،
نقاب حقه به چهره زده عطا ی به اصطلاح
دموکراسی را به پیش کشد مؤسس فقید ندأ خلق
(دکتور محمودی) در همان دوران اختناق
بدرو حیات گفت اینجا بخواست کار مؤسس
فقید ندأ خلق را با بر و ن کشیدن و باره
جرییده مذکور دنبال کند . روی این ملحوظ
دو سال پیش در خواستی بوزارت اطلاعات
و کلتور تقدیم نمودم ولی وزارت موصوف بدون
ارائه دلائل قانونی این درخواست را رد کرد .
بار دیگر درخواست اخذ امتیاز جرییده بنام
(فدان) بوزارت مسئول دکتور هادی محمودی
تقدیم داشتیم به این درخواست اصلاً واقعی نگذاشته
نشد بالاخره برای سومین بار در خواست
جرییده بشام شعبه جاوید داده شد مقامات مسئول
بدون پیش کشیدن دلائل قانونی یا شرط تفویض
مدیر مسئول جرییده را بمن سپرد . (دکتر رحیم محمودی)

مرام نشراتی جرییده

بادرك اين واقعت در دنالك
افغانستان امروز در صف عقب مانده
الك جهان قرار داشته و تمام
نهای مردم ما ناشی از سیستم
اقتصادی - اجتماعی کثرت نیست
این جرییده برای افشای همه
جانبه و عمیق تمام این نابسامانی
ها و بیهوشی ها و آگاه ساختن توده
ستمکش خود بعمل و موجبات آن ها
و بی بردن ایشان برآمده های قاطع
و بی گیر نجات خویش شروع به
نشراتی می نماید . بر اساس اندیشه
نوین عصر ما برای ایجاد هر گونه
دگرگونی عمیق اجتماعی
و سیاسی بیش از همه لازم تر آنست
تا فرهنگ عامه را مساعد ساخت یعنی
در زمینه ایدئولوژی بکار برداخت
نشراتی و هیئت نشراتی
در زمینه سیاسی اشنا ساختن
توده های افغانستان به
ایدئولوژی مترقی و پیشرو توده
و مسلم است تا این ایدئولوژی را
چنان با خصوصیات ملی خویش در

ددی دردناکه واقعت درك او تحلیل به اساس، افغانستان نن
دیری دیر و بیرته پاته میوادد نو به ای کی های لری او زمسود
خلکو فادده ژوند او رنگونه د موجوده اقتصادی - اجتماعی سیستم
او نظام نتیجه ده داجریده ددی فادده ژوند او د میواد د بیرته
پاته کیدو د اصلی علتونو دافشا او د مظلومو خلکو د فکری سومی
د لودتیا به مقصد ترخرجه زمو د مظلوم خلک بخپل ددی غیر انسانی
ژوند اصلی علتونه درك او خپل د نجات لاره غوره کی ، به خبر ید و پیل کوی .
زمو د فکری عصر د مترقیو
افکار و به اساس، د هر چول واقعی
عینی او ژور اجتماعی او سیاسی
تحول دمنع ته د دستولو له پاره
ترولو دمنع دالازم او غرگند
حقیقت دی چه د عامو خلکو ذهنیت
او فکری سوبه د نومودی تحول
د درك د پاره آماده شی .

یعنی د ایدئولوژی به ساحه
کریه زمو د نشراتی مرام عبادت
دی دلائل نیو کرښو غځه :
د سیاست په ډگر کې :
د سیاست به ساحه کی ددی جرییدی
مرام د افغانستان د مظلومو خلکو
آشنا کول د مترقیو او پیشرفته
وایدئولوژیو سره دی او تصمیم
لری چه نومودی ایدئولوژی د
سای خصوصیاتو سره داسی بوهای
کوی چه یو معین ملی شکل هان ته
غوره او د خلکو د محفلو او درك
و د گردی او د دوی د نجات لاره

واقعی پښتوستان گفته - اگر که
له ما غځه پښتنه و شسی ، چه
د پښتوستان د غلامی اساس علت
غځه گوی ؟ نو به هم دغه ورته و وایم
چې د افغانستان پسماندگی زموږ
د غلامی اساس ټکی دی .
این جرییده از مبارزات
آزادی بخش ملی ملل تحت
فشار پښتوانی نموده و در
افشا همه د سیاسی که این جنبش ها را
خطری برای صلح میداند و فرقی
در واقع میان جنگ عادلانه
و غیر عادلانه قائل نمی شود سعی
بعمل خواهد آورد .
در زمینه اقتصادی
نشراتی این جرییده متکی
بر این اصل است -
برای دولت های که از اقلیت

دعالی ژوند و خواته روښانه کی
او هم د تولو مترقیو ایدئولوژیکی
انحرافاتو سره به ملی او بین المللی
سوی سره مبارزه و کوی .
د افغانستان د مختلفو
ملیتونو د یووالی په ساحه
کې : جرییده د تولو ملیتونو او
اقلیتونو د واقعی یووالی او
مساداته غځه د اقتصادی - سیاسی
په ټینگه سره طرفدار کی کوی ،
او د هر رنگه امتیاز او لودتوب
غځه چه یوه ډله پر بله ډله باندی
تحمیلوی کر که کوی او نومودی
امتیازات محکوم گوی .
د پښتوستان په مسئله کې :
ددی جرییدی کون لاره د پښتوستان
په مسئله کې پر دی اصل باندی
تکیه لری چه : هغه حاکمه طبقه
چه خپل خلک تر بند لاسدی
دوستلی دی ، هېڅکله نسې کولای
(به دو مخ)
های مفت خو او د استعمارگر
نمایندگی می کنند عملی نمودن
اصلاحاتی که بتواند اکثریت محکوم
را قانع سازد امکان پذیر نیست
این جرییده بر ضد و جریان فکری
که بغواهد اقتصاد افغانستان را
براه های نیمه استعماری سوق دهد
شدیداً مبارزه خواهد کرد تا بدین
وسيله بتواند راه رشد اقتصاد
واقعا مستقل ملی را هموار سازد
در زمینه فرهنگی نشراتی این
جرییده علیه فرهنگ بوسیده ملاکی
و نفوذ فرهنگ استعماری فاسد
و دنباله روان نوین آن مبارزه
نموده و میکوشد تا میراث فرهنگی
توده این خلق ستمکش خود را
در پرتو فرهنگ نوین عصر کنونی
باز هم خلاصانه تکامل داده و با
دترسازد . رحیم محمودی

انجنیر محمد عثمان

تحلیلی از وضع کنونی مناسبات

طبقاتی جامعه ما

تفکر علمی مترقی میخواهد تا برای بررسی هر پدیده و از تمسایف ذهنی، بلکه باید از تحلیل عینی و مشخص واقعیت های موجود آغاز نمود. در بررسی اجتماعی، اولی از همه درک نوعیت شیوه تولید ضرورت است شیوه تولید فعلی در مملکت ما بطور اساسی، شیوه ملاکی است

دولتی کنونی ما که بنام سکنور دولتی مسمی شده است در اختیار کنامل ملاک پروکرات و تاجر پروکرات قرار داشته و مملکت را از نگاه اقتصادی برای همه استعمادی سوق میدهد؛ زیرا از یکسو مانع رشد صنایع مستقل ملی میگردد و از سوی دیگر نفوذ و تسلط سیستم امپریالیستی جهانی و اهدافین استثمار نوین را در کشور تأمین مینماید.

بنابرین ایند وظیفه ملاک پروکرات و تاجر پروکرات از آنجائیکه مانع عمده را در راه پیشرفت اقتصادی کشور تشکیل میدهد دشمنان درجه اول خلق کشور اند.

در میان مولدین اصلی (کارگران و دهقانان) و دو طبقه بهره کش عمده فوق الذکر طبقه کثیرالعدد قرار دارد که دارای خاصیت دو جانبه ستمگری و ستمکشی بوده و بسوی های مختلف اقتصادی زیست مینمایند. به عبارت دیگر این طبقه را میتوان این طبقه متوسط نامید. آن ها برای که در حالی ترین فشار این طبقه قرار دارند. از نگاه اقتصادی میتوان تاجر ملی خواند و بنابرین ترین فشار آن از نگاه اجتماعی با مولدین اصلی در یک صنف قرار میگیرد. مأمورین پابان رتبه دولت تاجران کوچک و صنعتگران زمینداران متوسط و اهل کسبه در این طبقه جای دارند. این طبقه هم از نگاه عمده و هم از نظر خصوصیات اقتصادی و فکری در زمینه جنبش های عمیق اجتماعی شایان توجه است. به استثنای قشر فوقانی آن، این طبقه از دوستان خلق بشمار می آید. قشر فوقانی این طبقه موقف متزلزل سیاسی داشته و در بعضی اوقات و در تحت شرایط مشخص و تادریه معینی میتوان آنند در صنف خلق قرار گیرند.

گرداننده چرخ های تولید انبساط مادی جامعه طبقات مولد کشور است که

بطور اساسی، شیوه ملاکی است زمین بزرگترین وسیله تولید، دهقان عمده ترین طبقه مؤلف و زمیندار بارز ترین طبقه استثمار گراست. در عین حال تجارت ایز در شیوه تولید کنونی نقش مهمی دارد، و سرمایه تجارتی بعد از زمین عامل مهم دیگری در مناسبات تولیدی ما بشمار میرود بر اساس درک این واقعیت مناسبات طبقات اجتماعی خویش را چنین خواهیم یافت.

چون شیوه اصلی تولید ملاکی است، بنابرین بر این طبقه ملاک عمده ترین نقش اقتصادی و سیاسی را در حیات اجتماعی بازی میکنند ولی افراد این طبقه موقف هم گونی ندارند و میتوان آن ها را به دو دسته تقسیم نمود اول ملاکین که ملکیت آن ها بر زمین از راه نفوذ دولتی تأمین میشود ثانیاً ملاکین که در امور دولتی سهم مستقیمی ندارند دسته اول از نگاه خاصیت طبقاتی خود به طبقه تاجر پروکرات پیوند نزدیکی داشته و در حقیقت حلقه اتصال اجتماعی و سیاسی سیستم استعماری جهانی (از هر طرف که باشد) با طبقه ملاکین محلی را تشکیل میدهند دسته دوم تکیه گاه اجتماعی و اقتصادی دسته اول در کشور میسازد. دسته اول را ملاک پروکرات و گروه دوم را ملاک غیر پروکرات میتوان نامید.

سرما به بزرگ تجار دنی افغانستان نظر بفشار سیستم امپریالیستی جهانی و اهدافین استثمار نوین و طبقه ملاک داخلی نمیتواند در رشته های صنعتی مستقلانه سهمیم شود؛ بنا به ناگزیر در راه تجارت خارجی سوق مینماید از اینجاست که طبقه تاجر دلال (کامپرا دور) بسو جود آمده است نمایندگان سیاسی این طبقه را میتوان تاجر پروکرات نامید که در ترکیب سازمان دولتی موقعیت حساس را صاحب است و نقطه اتصال منافع و پیوند طبقاتی این طبقه با ملاک پروکرات است اقتصاد

(دومری مخ پاتی)

د جریدی نشراتی ...

چه یو بل ملت دینه او اسارت غده آزاد کبری، غسراکه چه یو پښتونستانی، رښتینی مبارز به دی حصه کی دایمی «اگر که له ما غده پوښتنه وشي، چه دپښتونستان دغلامی اساسی علت غه گڼی؟ نو به همدغه ورته وایم چه دافغانستان پساند گڼی زموږ دغلامی اساسی تکی دی.»

دا جریده دهغو خلکو د ملی جنبشونو او آزادی غوښتونکو مبارزانو غوښته چه تر فشار لاندی دی ملاتړ کوی. او دهغو دسیسو به افشا او غرگندو او کی نه، د آزادی غوښتونکو جنبشونه او مبارز دی صلحی دباره مضر او خطرناکه گڼی او به حقیقت کی د عادلانه او غیر عادلانه جنگونو داساسی فرق او اختلافه غه ستر گڼی غړوی به هغه وکی.

په اقتصاد دی چاروکی: ددی جریدی نشرات په اقتصادی چاروکی ددی اصله غه عبارت دی چه: دهغو دولتونو دباره چه

برنجبران، نیمه رنجبران و دهقانان تقسیم میشود. رنجبران که عمده آنها قلیل صاحب هیچگونه وسیله تولید نیستند در شهرها عموماً در صنایع نیمه استعماری و درممان و در دهات در خدمت ملاکین و اعضای طبقه متوسط، قرار دارند.

نیمه رنجبران چه در شهر چه در ده، با آنکه صاحب وسیله تولید ابتدائی و مختصری اند زندگی محنت بار خود را تنها از راه کارشراقتدانه و تولیدی تأمین مینمایند این طبقه قیصی نسبتاً زیادی جمعیت مارا در بر می گیرد سومین و کثیرالعدد ترین طبقه مولد جامعه را دهقانان تشکیل میدهند.

از آنجائیکه شیوه اصلی تولید ملاکی است، در حقیقت نیروی عمده تولید و مولد اصلی ثروت کشور این طبقه میباشد. با به اقتصادی و اجتماعی بهره کشی تمام طبقات استثمارگر بردوش توانای دهقانان قرار گرفته و چرخ زندگی جامعه با هر دور خویش بر محنت و ادبار آن ها می افزاید. در آخرین تحلیل سنگینی بار هر گونه مالیات مستقیم و غیر مستقیم بردوش این طبقه تعمیل می شود در دین ملی

دیو منقحواره او استعمارگر اقلیت غه نماینده گسی کوی، دداسی اصلاحاتو منع ته را و دل چه دمحکوم، مظلوم او عامو خلکو دقناعت و دی کاملا د امکان له نقطه نظره غه لیری دی او هم داجریده دهر هغه فکری او ذهنی جریبان به خلاف چه و غوا دی دافغانستان اقتصاد د نیمه استعماری لاری ته را کش کوی مبارزه به وکی، ترخوچه به دغه وسیله سره و کولای شی دمستقل ملی اقتصاد د حقیقی ر شد او لودتیا لاره اسانه او مواد کوی.

د فرهنگ په برخه کی: د جریدی نشرات د فرهنگ په برخه کی د فتو دل او ملاک د ناوړه فرهنگ سره او هم د فساد و استعماری فرهنگ د تاثیر او د دوی دنو و بیرانو بر ضد مبارزه ده، او کوشش کوی چه د خپلو ستمکشو خلکو فرهنگ کی میراث ددی عصر د نوی فرهنگ په رها کی بیا هم به خلاقانه تو گه سره رښد اولایسی نو دهم فایده منده کوی.

وضع اقتصادی و اجتماعی فعلی، این طبقه نیروی عمده را تشکیل میدهد. هر جریانی که خواهان نوسازی جامعه ما بر اساس تفکر علمی مترقی است ناگزیر بایستی اهمیت طبقه دهقان را در شیوه های رسیدن به هدف نامبرده بطور جدی در نظر گیرد.

از حقایق فوق چنین نتیجه بدست می آید که جهت تأمین دموکراسی واقعی بر اساس اندیشه های پیشرو عصر زوال امپریالیزم، جریانی که خواهان خدمت بخلاق است باید بر رنجبران بهمشا به پیش آهنگ، نیمه رنجبران و دهقانان بهمشا به نیروی عمده و متحد نزدیک رنجبران و طبقه متوسط بهمنزله و دست عظمی رنجبران متکی بوده و در شرایط مشخص بتواند قشر فوقانی طبقه متوسط را در تحت رهبری خویش گرد آورد، تا بر دشمنان خلق پیروز شود.

دکتر هادی «محرودی»

عصر زوال امپریالیزم

۶۰۰ میلیون پوند در سال ۱۹۴۷ افزایش یافت در حالیکه بیلاس تادیات امپریالیزم امریکا در سال های نخستین پس از جنگ دارای مقدار زیاد مازاد بود فرونی دائمی صادرات نسبت به واردات به افزایش ذخیره طلای امپریالیزم امریکا انجامید زیرا ناتوانی پول های سایر کشورهای امپریالیستی و احتیاج شدید آنها به سرمایه گذاری داخلی و ترمیم اقتصادی ایشانرا واداشت تا در بدل واردات کالای امریکائی طلا بپردازند، ذخیره طلای امریکا که در سال ۱۹۴۵ بیش از ۲۰ بلیون دلار بود، در سال ۱۹۴۹ به بیش از ۷۴ بلیون دلار بالغ گردید. برعکس در همین مدت ذخایر طلای فرانسه ۱۴۵۲ بلیون دلار و ذخایر طلای سویدن ۴۰۰ میلیون دلار کاهش یافت. این امر موجب شد که سایر دول غربی امپریالیستی، ناگزیر دست به کاهش ارز پول زنند، چنانچه از (بقیه درس ۴)

کشورهای امپریالیستی بساخته آغاز نمود، چنانچه تنها در سال ۱۹۴۵ مقدار ۳۷۵۰ میلیون دلار به بریتانیا و ۱۱۰۰۰ بدین ترتیب انحصارات عظیم ایالات متحد و مدعی کمی در سراسر جهان امپریالیستی باختر در رشته های مختلف مالی و صنعتی شبکه وسیعی از موسسات را یاد و اختیار کامل و یاد تحت نظارت خویش گرفت کمبود شدید ضروریات نخستین زندگی و مواد خام که دول امپریالیستی اروپای باختری در اثر جنگ بدان گرفتار بودند به امپریالیزم امریکا فرصت داد تا بازرگانی ایشانرا در مجاری سودمند برای خویش هدایت نماید در اثر ورود سیل اسای سرمایه و کالای امریکائی وضع مالی کشورهای اروپای باختری بدتر میشد، کسر تادیات انگلیس از ۳۷۰ میلیون پوند در سال ۱۹۴۶ به

مهمات جنگی و آذوقه و مواد به سایر دول امپریالیستی منافع جنگی بچنگ آورد) با قدرت اقتصادی و نظامی فوق العاده عظیمی سر بر کشید. انگلیس ایالات متحده جهت گماشتن با بهره برداری کاملی از این موقف ثایاب خویش بعمل آورد. از یکسو وی کوشید تا از ناتوانی اقتصادی و نظامی سایر دول امپریالیستی استفاده نمود. بازار های مستعمرات و حوزه های نفوذ ایشانرا در مناطق وسیع آسیا، آفریقا، و آمریکای لاتین تصاحب کند و از سوی دیگر به خود کشورهای امپریالیستی دیگر بصدور سرمایه پرداخته و رشد و احیای اقتصاد آنها را در زیر نظارت و کنترل خویش داشته باشد. یعنی بمعبارت دیگر ایالات متحده کوشید سر تاسر جهان سرمایه داری را چه کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و چه سایر کشورهای امپریالیستی را در تحت نفوذ، نظارت و کنترل اقتصادی و سیاسی خود قرار دهد برای این منظور در آخرین سال جنگ در (بریتن وودز) ایالات متحده، کنفرانس بشمول چهل و چهار کشور جهت تنظیم مجدد امور مالی و تجارتی تشکیل گردید، که «صندوق وجهی بین المللی» و «بانک بین المللی جهت احیاء و تکامل» را بنیان گذاشت. بقرار موافقت نامه «صندوق وجهی بین المللی» از میان تمام جریبان های پولی، تنها ارزش معادل دلار باطلا بصورت مستقیم تعیین شده و معادل طلای سایر جریبان های پولی بصورت غیر مستقیم از راه نسبت مبادله آنها با دلار تعیین میگردد. ارزش معادل دلار باطلا فی اونس ۳۵ دلار مقرر گردید. ایالات متحده از آن جهت این امتیاز را کما می نمود که از یکسو در آن هنگام دارای نیرومندترین ضایع و کشاورزی جهان امپریالیستی و از سوی دیگر صاحب بزرگترین ذخیره طلا در جهان غرب بود. بیش از ۲۰ بلیون دلار بدینسان دلار خود نقش طلا را برای سایر کشورها داشت. و آن ها می توانستند ذخایر بشوای خود را بصورت دلار نگاه دارند پس از تثبیت نقش حاکم دلار در جهان مالی سرمایه داری، امپریالیزم امریکا بصدور سرمایه به مقیاس وسیع به سایر

سرتاسر جهان غرب، عظیم ترین بحران مالی و اقتصادی در تاریخ خویشرا از سر میگذارد پس از آنکه در هود هم نوامبر سال ۱۹۶۸ از پوند سترلینگ بایان آمد، خرید طلا در بازار های بزرگ غربی چون لندن، نیویورک و ریخ و پاریس، سیل آسا بحران ج افتاد. «نیوزویک» در شماره ۱۸ مارچ ۱۹۶۸ خود نوشت: پس از پایان آمدن ارزش پوند، فروش طلا از طرف بانک های مرکزی غربی از روز ۳ تا ۵ تن بر وزانه ۱۰۰ تن افزایش یافت. «تایمز» در شماره ۲۲ مارچ ۱۹۶۸ خود خبر داد، فروش طلا در یک روز به ۲۰۰ تن یعنی معادل ۲۲۰ میلیون دلار رسید، که این رقم بزرگترین مقدار فروش روزانه طلا در تاریخ است. قیمت فی اونس طلا در بازار پاریس به ۳۶ دلار رسید، بقول «اکنونومست» تنها در دو ماه نوامبر و دسامبر سال ۱۹۶۷ تقریباً ۱۲۳۵ بلیون دلار شمش طلا بفروش رفته است. «نیوزویک» در همان شماره میگوید: سرمایه گذاران، اقتصاد دانان و بازرگانان بنحو روز افزونی احساس می کنند که کشور در چنگال آهنین بحران چنان گیر افتاده که جلوگیری از آن دیگر مقدور نیست.

این تشنگی بخوا طرز، از برای چیست؟ چرا غربی که همگان گمان می بردند در دریای از نعمت و ثروت شناور است، این همه در تلاش بکف آوردن زر از خود بیقراری نشان میدهد؟ جهت شناسایی موجدیات و چگونگی این بحران با است بگذشته برگردیم.

جنگ جهانی دوم در تنالجب قوای دول امپریالیستی تغیر کلی داده و رشد ناموزون اقتصادی آنها را بازم ناموزون تر ساخت همه دول امپریالیستی، چه آن ها بیکه در جنگ پیروز شده بودند مانند انگلستان، فرانسه و غیره و چه آن ها بیکه شکست خورده بودند چون آلمان، ایتالیا و جاپان در اثر ویرانی های جنگ (به نسبت های مختلف) اقتصاد و رشکسته ای را میراث بردند. برعکس ایالات متحده امریکا که جنگ خود چشمه ای غروشان ثروت برای وی بشمار می آمد (زیرا از یکطرف جنگ باعث هیچگونه ویرانی در ایالات متحده امریکا نشد، و از سوی دیگر انحصارات ایالات متحده از راه فروش اسلحه

آئین نوین

چشمی ای تازه اسل او جوان

شودشی ای مردمان باستان

گردشی ای محور چرخ زمان

لرزشی ای موج خلق بیکران

تا بشی ای شعله های جادو دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

پر تو افشائی اما چون آفتاب

بار کن از چهره خاستن نقاب

سرنگون کن باره افراسیاب

تند شوای برق های باشتاب

تا بشی ای شعله های جادو دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

آتش از کوره های کادگر

غرضی از داس و بیل بزرگر

زیر و رو کن کاخ استشمارگر

محو کن بنیاد استعمار و شر

تا بشی ای شعله های جادو دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

کن علم از مجمر خود نورها

شود ضیاء و رهبر مزدورها

اخگر افکن بر سرمه و رها

سوز دست و فرق این سرزورها

تا بشی ای شعله های جادو دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

طرح آئین نوین اینجا کن

آتش در خاسته بیدار کن

این وطن را از محن آزاد کن

با رحمت رسم نو را شاد کن

تا بشی ای شعله های جادو دان

تا بسوزی قصر و بام خاستان

دا کنتر رحیم (محمودی)

(بقیه از ص ۳)

عصر زوال...

۱۹۴۵ تا ۱۹۵۸ از فرانک فرانسه پنج بار و در سپتامبر ۱۹۴۹ پوند سترلینگ فیمده ۲۰/۵ کاهش ارزش یافت و به تعقیب آن ۳۵ کشور دیگر سرمایه داری نیز ارزش پول های خود را پائین آوردند کاهش ارزش برای اینده کشور های امپریالیستی دو نتیجه بسیار آورد، از یکسو شرایط زندگی در داخل کشور برای زمینکشان و مردم سخت تر و ناگوار تر ساخت و از سوی دیگر نرخ مواد صادراتی آن ها را تقلیل داده و بدین ترتیب بر میزان صادرات شان افزود و در نتیجه تجارت بین المللی قدری رقابت آن ها در برابر امپریالیزم امریکایی بالا رفت.

بدینسان به تدریج سراز سال ۱۹۵۰ بیلاس تادیات امپریالیزم امریکا آغاز به نقصان نمود و با به پای آن، جهت جریان طلا تغییر خود و شروع به بیرون رفتن از ایالات متحده نمود، بدینسان در پیسارزه و کشمکش میان دول امپریالیستی، یعنی در پیسارزه اقتصادی و تجارتی میان امپریالیزم امریکا که میخواست سایر دول امپریالیستی را تحت نظارت و کنترل خود داشته باشد و سایر دول امپریالیستی که میخواستند خود را از زیر نفوذ و کنترل امپریالیزم امریکا بیرون آورند، نخستین عسایم برگشت بضرر امریکائی نمودار شد. از جانب دیگر، پس از جنگ جهانی دوم، امپریالیزم امریکا، در نواحی وسیع آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بعد از سر ما به و گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی خویش با کوشش هر چه تمامتر آغاز نهاد. نا توانی اقتصادی و نظامی سایر دول امپریالیستی شرایط بسیار مناسبی برای امپریالیزم امریکا ایجاد نمود، تا آنکه بتواند با آسودگی خاطر، بجای امپریالیست های اسکیمسی، فرانسوی و فاشیست های جاپانی و آلمانی و ایتالیائی در این نواحی به استثمار و بهره کشی خویش دست زند. آسیا، آفریقا و امریکای لاتین منابع سرشار مواد خام و صاحب کان های گران بها و غنی بود و بازار فوق العاده وسیعی برای خرید کالای صنعتی و حتی کشاورزی دول امپریالیستی بشمار می آیند. در اندک مدتی سرمایه امریکائی در سراسر این منطقه وسیع نفوذ کرد بطور مثال ۹۰٪ استخراج مس ۱۹۵۰٪ استخراج سرب

۹۸٪ استخراج جست ۷۰٪ استخراج نقره ۱۵۰٪ استخراج نفت امریکای لاتین در انحصار ایالات متحده میباشد امپریالیزم امریکائی نصف صادرات و کمی بیش از نصف واردات امریکای لاتین را در انحصار خود دارد به هم متوسط صادرات سالانه امریکا به امریکای لاتین ۲۰٪ کل صادرات امریکائی که امپریالیزم امریکائی کشور های امریکائی لاتین بدست می آورد، یک چهارم کل سود سرمایه گذاری های خارجی امریکا را در بر می گیرد. بدینسان در بر و غله جنوب شرق آسیا، نفت سرشار خاور میانه، یورانیوم و طلا، آفریقا، قهوه، شکر و نفت امریکائی لاتین همه آغشته به خون و عرق جبین مردمان ستمکش این سه قاره (که اکثریت

دانی که بود سپید و هم نیک عمل
نزد رفقا
یا کیست سیاه روی در انتظار ملل
از حب طلا
آن کاریگری که می خورد نان جوین
از زحمت دست
یا محترمی که می خورد شیر و عسل
بی محنت پا
گرد آورنده م.

کهن و نوین با هم فروزتر شعله در ساخت جنبش دموکراتیک ملی با سرعت چون آذرخش و قدرت چون بهمن اوج گرفت. جهت مقابله با این عامل نیرومند جدید، دول امپریالیستی کوشیدند برای تکمیل موقف پیشین خویش تدابیری اتخاذ نمایند تشدید تسلیحات افزایش هزینه های جنگی و ایجاد بلوک های نظامی سرتاسر کره زمین را شبکه یا یکپاره های نظامی امپریالیست ها و مقتدر ترین آن ها امپریالیزم امریکائی گرفت، تهدید و ادعای و شاننازه هسته ای اصل اساسی سیاست امپریالیستی در مواجه با خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بشمار آمد ولی هیچ نیروی دایماری آن نیست تا از ر و نه تا ریخ جلو گیرد؛ مبارزات خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین چون مشت آهنین ضربات خود را کفنده بر پیکر لرزان و فروت اقتصاد و تمامی سیستم

مطلق نفوس جهان را تشکیل می دهند) تبدیل به جویبار های سرشار زد گردید، که از چارسو بدون توقف، بسوی هدف واحد در آورده و قیاموس انلس- بسوی نیو بوردک بجریان افتاد. با بهای این جریان، خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که جنگ جهانی دوم حلقه اسارت استثمارگران کهن- انگلیس، فرانسه، جاپان و غیره- را منزلزل ساخته بود، در جستجوی آزادی ملی سیاسی و اقتصادی در پیروزی روز افزونی بر علیه تمام اشکال استعمار چه کهنه و چه نو، قدم بقدیم بجلوشتافتند. جنبش کبیر دموکراتیک ملی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین هر روز نیرومند تر گردید و ثمرات درخشانی بیاد آورد، در برخی نقاط زنجیر امپریالیزم بکلی گسسته شد و در برخی جا های دیگر صدمات شدیدی برداشت. از سوی دیگر، چنانچه قبلاً ذکر آن رفت از شروع دهه پنجاه سایر دول

امپریالیزم می گوید از نیمه دوم سال های پنجاه به اینسو ایندیگر جنبش دموکراتیک ملی آسیا، آفریقا و امریکا لا تین است که سمت پیشرفت جهان را نشان میدهد نه انحصارات فعال ما یشتا پیشین غرب امپریالیست در زیر ضربات هم گوینده این جنبش، تضاد میان دول امپریالیستی باز هم شد پیشتری یافت مصارف جنگی هر روز بیشتر از روز پیش فرونی گرفته و وضع مالی و اقتصادی دول امپریالیستی باز هم بیشتر رو به وخامت می رود است شاهد آنکه مصارف جنگی امریکا از ۵۱/۱ هزار میلیون دلار در سال ۱۹۶۱-۱۹۶۲ ۷۱/۲ هزار میلیون دلار در سال ۱۹۶۶-۱۹۶۷ ۲۶-۲۷ هزار میلیون پوند در سال ۱۹۶۸-۱۹۶۹ به ۲۱۷۲ هزار میلیون پوند در سال ۱۹۶۶-۱۹۶۷ رسید سایر دول امپریالیستی نیز در همین راه روان اند.

بنا بر آن جنبش بر توان دموکراتیک ملی آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین که هر روز دامنه آن گسترش بیشتری یافته و کشور های آسیائی، آفریقائی، و امریکائی لاتین را از زیر سلطه اقتصادی سیاسی و نظامی دول امپریالیستی بیرون کشیده و بدین طریق بازار فروش و مناطق نفوذ و صدور سرمایه امپریالیستی را تنگتر و فشرده تر میسازد از یکسو احیای مجدد اقتصادی دول امپریالیستی شامل در جنگی و رقابت روز افزون، و تشدید تضادهای آشتی ناپذیر ایشان با امپریالیزم ایالات متحده از سوی دیگر و بالاخره مصارف سراسر نظامی میلان دیزه شدن تمامی سیستم جهانی امپریالیستی و مخصوصاً امپریالیزم امریکائی موجب شد تا نقصان بیلاس تادیات ایالات متحده افزایش روز افزونی یابد بیلاس تادیات ایالات متحده که در سال های ۱۹۵۳-۵۷ در حدود ۲۵۰۰ میلیارد دلار بوده در سال ۱۹۶۷ به ۳۰۶ میلیارد دلار رسید مصارف جنگی غارتگرانه امریکا در ویتنام که هر سال با سرعت بیشتری بالامی رود (نا تمام)

حساب در پشته تی تجارتی
با انگ (۲۲۷۴)
حق الاشتراک
مرکز ۲۰۰
ولایات و پهنوستان ۲۳۰
خارج ۱۰ دلار
هر چهارشنبه نشر میشود
قیمت هر شماره دو افغانی
دولتی مطبعه